

الگوی مشاوره‌ای حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم

ابراهیم نعیمی^۱

سید صدرالدین شریعتی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۶

تاریخ وصول: ۹۲/۵/۴

چکیده

تحقق خانواده سالم، مستلزم برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر است. از این رو، سالم سازی اعضای خانواده و رابطه‌هایشان، بی‌گمان اثرات مثبتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت. آنچه که مشاهده می‌شود اکثر مراجعین به مراکز مشاوره، برای دریافت خدمات در حوزه خانواده و بویژه حل تعارضات بین همسران می‌باشد. افزایش فزاینده آمار طلاق که به دلیل تعارضات درون خانواده و ناتوانی در حل این تعارضات منجر به جدایی همسران از یکدیگر می‌شود. در راستای بومی‌سازی نظریه‌ها و روش‌های مشاوره در کشور، با توجه به معیارهای فرهنگی - اعتقادی - جامعه، پژوهش حاضر برنامه‌ریزی و با هدف استخراج یک الگوی مشاوره‌ای در جهت حل تعارضات زناشویی برپایه آیات قرآن کریم و تفاسیر مرتبط و به روش تحلیل محتوا به انجام رسیده است. یافته‌های این پژوهش آشکارسازی ویژگی‌های جنسیتی مردان و زنان و ویژگی‌های الگوی مشاوره‌ای مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم می‌باشد.

واژگان کلیدی: الگو، تعارض، جنسیت، دیدگاه‌های جنسیتی.

۱- استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی naeimi@atu.ac.ir

۲- دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

«خانواده» یکی از رکن‌های اصلی جامعه به شمار می‌رود. دستیابی به جامعه سالم، آشکارا در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم، مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است. از این رو، سالم‌سازی اعضای خانواده و رابطه‌هایشان، بی‌گمان اثرهای مثبتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت (برنشتاین و برنشتاین، ترجمه نایینی، ۱۳۸۴).

با آنکه هیچ زوجی با هدف جدایی ازدواج نمی‌کند و تقریباً همه زوج‌ها به امید یک زندگی درازمدت توأم با آرامش و خوشبختی پیوند می‌بندند، اما در رهگذر زمان بسیاری از ازدواج‌ها به بن بست رسیده و به جدایی ختم می‌شود (ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴). تعارض زناشویی شدید، یکی از مسائل بغرنج جامعه امروزی است که موجب افزایش طلاق و جدایی زن و شوهرها شده است. امروزه شاهد بروز تعارضات زیادی هستیم که برخی از آنها به نوعی از تفکر کاملاً یکسان دانستن زن و مرد، نشأت می‌گیرد؛ مانند: اشتغال زنان، درجات بالاتر تحصیلی دختران نسبت به پسران، بالا رفتن سن ازدواج، سپردن کودکان کوچک حتی شیرخوار به مهد کودک برای ساعات طولانی، محروم کردن کودکان از آغوش گرم مادران در سال‌های اوج نیاز کودک به مادر، کمبود شرایط تحصیل یا اشتغال مناسب با ویژگی‌ها و شرایط خاص زنان، سردی روابط عاطفی در خانواده‌ها، افزایش تعارضات زناشویی، افزایش طلاق، کاهش صله رحم، کاهش درجه رضایت از زندگی، از جمله مشکلاتی است که با باورها نسبت به مسئله جنسیت، ارتباط پیدا می‌کند و در همه آنها ردپایی از نقص و اشتباه در نگرش و عملکرد نسبت به مسئله زن، می‌توان یافت. آنجا که در اثر تفکرات و تلقینات غلط جامعه، مرد برتر از زن دانسته شود و همت و هنر زنان در هر چه شبیه‌تر شدن به مردان، خلاصه گردد، خلأ و شکاف بزرگی در سیستم وجودی افراد، خانواده و جامعه ایجاد می‌گردد که با هیچ جایگزینی نمی‌توان آن را جبران کرد (شاهواروتی، ۱۳۸۷).

با توجه به شیوع تعارضاتی که عمدتاً برخاسته از دیدگاه‌های جنسیتی خاصی است که زوجین به زندگی دارند و با توجه به آنکه مشاوران و روان‌شناسان همواره درصدد ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از ابتلا به تعارضات و در نهایت درمان آن بوده‌اند، لذا به نظر می‌رسد ارائه الگوی مشاوره‌ای مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم که با حفظ استقلال افراد دچار تعارض، به ایشان کمک کند تا زندگی توأم با آرامش و رشد را تجربه کنند در این خصوص مؤثر واقع شود.

از نظر گلاسر (۱۹۹۸) تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. تعارض زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می‌کند. تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، در حالی که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال آورد. درمانگران سیستمی، تعارض را هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت که در جهت اخذ امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند، می‌دانند. بدیهی است که طرفین نزاع قصد دارند به طرف مقابل خود آسیب برسانند، تاکتیک‌های او را خنثی و بالاخره از صحنه بیرون کنند. بنابراین وجود تعارض زناشویی ناشی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی و جنسیتی است و گاهی آن قدر شدت می‌یابد که احساس خشم، خشونت، کینه، نفرت، حسادت و سوءرفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین حاکم می‌شود و به شکل حالات تخریب‌گر بروز می‌کند (یونگ و لانگ، ۱۹۹۸).

دیدگاه‌های جنسیتی در ایجاد تفاوت‌های نقشی میان زوجین و در نتیجه بروز تعارضات تأثیر بسزایی دارند. بنابراین در ازدواج باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه زناشویی و زندگی مشترک است، زن و شوهر باید با توجه به دیدگاه‌های جنسیتی چگونگی حل این تعارض‌ها را بیاموزند تا بتوانند خانواده را حفظ کنند (گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۱۱).

اکثر پژوهش‌های روان‌شناختی که در زمینه ازدواج گرفته‌اند، به منظور کمک به زوج‌های دچار مشکلات زناشویی طراحی شده‌اند. طی ۳۰ سال گذشته مسأله تعارض زناشویی در گستره اینگونه مطالعات و در ادبیات موجود در زمینه ازدواج جایگاه ویژه‌ای یافته است (فینچام، بیچ و داویلا، ۲۰۰۴، به نقل از کاظمیان، ۱۳۹۱). در جامعه ما که از سنت به مدرنیته در حال گذر است تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی می‌توانند از عوامل تشدید تعارضات زناشویی باشند. تحقیق در مورد کارایی شیوه‌های گوناگون درمان و تطبیق آنها با جامعه و فرهنگ خودمان می‌تواند ابتدای راه باشد (شاهواروتی، ۱۳۸۷). این خلأ در رویکردهای درمانی مورد استفاده در کشور ما وجود دارد که بدون توجه به زیربنا و مبانی فلسفی این رویکردها، اقدام به درمان آن بر روی زوجین می‌شود. در حالی که با فرهنگ و بافت اعتقادی مردم کشور ما مناسب نیستند. امروزه ضرورت توجه به مبانی نظری به ویژه دیدگاه‌های جنسیتی و بازتاب آن در سلامت روانی - اجتماعی بیش از گذشته برای دانشمندان احساس می‌شود.

با توجه به مفاهیم قرآنی؛ بخشی از تعارضات به دلیل باور نداشتن یا کم بها دادن به تفاوت‌هایی است که خالق هستی از روی حکمت، بین زن و مرد قرار داده است. این تفاوت‌ها در ابعاد جسمی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، وظایف، کارکردها و نقش‌ها وجود دارند. زن و مرد به تنهایی ناقص‌اند و همه نیازهای خود و جامعه را به تنهایی نمی‌توانند پاسخگو باشند و خداوند با ایجاد تفاوت‌هایی بین آنها، ایشان را مکمل هم آفریده است تا نیازهای خود و جامعه را در تعامل با هم برآورده ساخته، در کنار هم خود و جامعه را به تعالی برسانند. زن و مرد مشترکات فراوانی دارند که مربوط به بعد و ارزش انسانی آنها می‌شود؛ اما در کنار همانندی‌ها، تفاوت‌هایی در خلقت جسمانی، روانی، عاطفی و به دنبال آن، تفاوت‌هایی در استعدادها، نیازها، خواسته‌ها، اهداف، وظایف و نقش‌های محول شده به آنها وجود دارد. کمال هر مخلوقی، در شکوفا شدن و پرورش استعدادهای نهفته در همان است. لذا کمال یک مرد و یک زن، لزوماً در یک موقعیت مشابه و یکسان به دست نمی‌آید، بلکه بعضی از موقعیت‌ها در مورد دو جنس، باید به طور جداگانه و گاه متفاوت اما هماهنگ با هم طراحی شود و در طرح

آرمان‌های مربوط به هریک، باید همه ابعاد و آثار وجودی آنها در بعد فردی و اجتماعی در نظر گرفته شود و نوعی نگرش سیستمی در این مورد لازم است تا خطا، اشتباه و آسیب به حداقل ممکن برسد (شاهواروتی، ۱۳۸۷).

از دیدگاه قرآن، با بررسی آیات در مورد جنسیت مرد و زن، با معرفی حالات انبیاء، پرهیزگاران و مؤمنان و با ارائه الگوهایی از زندگی انبیاء، زنان و مادران آنان، نقش جنسیت ایشان در ایفا وظایف و استیفای حقوق، تربیت درست انسان و سعادت و شقاوت وی در دنیا و آخرت مطرح می‌شود.

برای اکثر بزرگسالان، شادمانی در زندگی بیشتر با ازدواج موفق و روابط زناشویی توأم با رضایت و سازگاری وابسته است، تا سایر جنبه‌های زندگی (میرخستی، ۱۳۷۵). ازدواج معمولاً اصلی‌ترین و مهمترین زمینه‌ای است که عملکرد و اثر صمیمیت و روابط اجتماعی رشد یافته، در آن متجلی می‌شود. در حالی که ازدواج یکی از شایع‌ترین روابط است اما براساس آمارها؛ نگهداری این رابطه بسیار مشکل است. در طول رشد این رابطه زوج‌ها ممکن است با تعارض‌هایی مواجه شوند که ثبات ازدواج آنها را مورد آزمایش قرار می‌دهد. مطابق با یافته‌ها حدود یک سوم ازدواج‌ها در پنج سال اول با شکست مواجه می‌شوند. با مراجعه به پایگاه سازمان ثبت احوال برای دریافت آمار طلاق برای سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب با این تعداد طلاق در سال مواجه می‌شویم؛ ۳۷/۸۱۷، ۶۰/۵۵۹، ۹۴/۰۳۹، ۱۴۲/۸۴۱، ۱۵۱/۴۴۵، به عبارت دیگر روزانه (به غیر از تعطیلات) به طور میانگین تعداد ۱۳۰، ۲۰۲، ۳۱۴، ۴۷۷ و ۵۰۵ فقره طلاق در کشور به ثبت رسیده است، آماری که سالیانه رشد فزاینده‌ای دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که نسبت قابل توجهی از مردم جامعه به نوعی در خانواده خود دچار تعارض زناشویی هستند. این تعارض‌های ناراحت کننده می‌توانند باعث بی‌ثباتی در رابطه زناشویی شوند و رابطه زناشویی را به شدت تحت تأثیر قرار دهند (مرکز آمار ملی سلامت، ۱۹۹۱، به نقل از بیورز و هامپتون، ۲۰۱۰).

باید توجه داشت نظریه‌های مختلف در حوزه درمان تعارضات زناشویی، ساخته و پرداخته ذهن صاحب‌نظرانی است که در شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوت و متناسب با هر محیطی شکل گرفته‌اند. لذا برای حل مشکلات هر محیطی باید از اصول و مبانی ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی همان محیط بهره گرفت.

از طرف دیگر؛ کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که با دین و تربیت دینی سروکاری نداشته باشد. نگاهی گذرا به تاریخ بشر نشان می‌دهد که همه جوامع به نوعی دین‌دار بوده‌اند. آنها نه تنها دین‌دار بوده‌اند بلکه دین را امری ضروری نیز می‌دانستند. مراجعه به متون دینی مختلف نشان می‌دهد که انسان، بدون پایبندی به دین نمی‌تواند به هدف نهایی حیات خود دست یابد (داوودی، ۱۳۱۱).

به طور کلی می‌توان گفت حل تعارضات زناشویی ممکن است در خانواده‌های ایرانی با توجه به فرهنگ و مذهبی متفاوت (دین اسلام) به گونه‌ای دیگر از سایر جوامع باشد. از آنجا که در جامعه ما سنت‌ها و باورهای دینی مانع بروز طلاق در بیشتر ازدواج‌هاست (کریمی، ۱۳۸۷)، در این راستا مهمترین متون دینی اسلام یعنی قرآن که سرشار از توصیه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر در باب کلی‌ترین مسائل خانواده تا جزئی‌ترین موارد آن است، مورد توجه قرار گرفت.

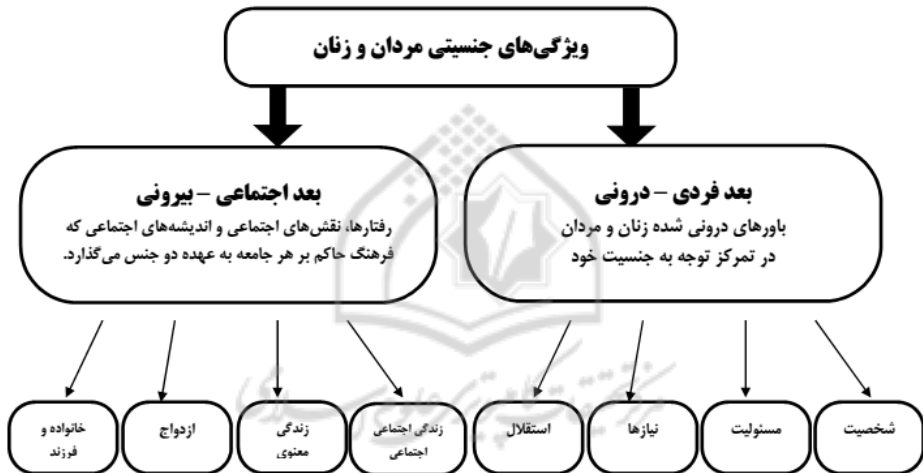
موج چهارم روان‌شناسی، یعنی دیدگاه چند فرهنگی در حوزه مشاوره، تأکید می‌کند که تحقیقات باید بومی و متناسب با فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه باشد (کوری، ۲۰۱۰). از آنجا که فرهنگ غالب جامعه ما، اسلامی است، لذا ضرورت انجام چنین پژوهشی برای استخراج مؤلفه‌های الگوی مشاوره‌ای مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم، متناسب با جامعه و فرهنگ دینی کشورمان دوچندان می‌شود.

روشی که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به کار گرفته شده، روش تحلیل محتوا است. داده‌های کیفی تحقیق حاصل از تجزیه و تحلیل آیات و تفاسیر در جداول با مقوله‌های کلی؛ فرعی و گزاره‌های مفهومی منتج از آنها ارائه شده است، سپس یافته‌های حاصل از روش تحلیل

محتوا برای استخراج مفاهیم جنسیتی استنباط شده، که در نهایت با ترسیم الگوی مشاوره‌ای حل تعارض خاتمه می‌یابد.

در پژوهش حاضر، پژوهشگر با جمع‌بندی کلی از تفاسیر آیات قرآنی به پرسش‌های مطرح شده در پژوهش خواهد پرداخت.

سوال ۱- ویژگی‌های جنسیتی مردان و زنان از دیدگاه قرآن کریم چیست؟



شکل ۱. ویژگی جنسیتی مردان و زنان از دیدگاه قرآن کریم در دو بعد فردی-درونی و اجتماعی-

بیرونی

جدول ۱. نتایج تحلیل محتوای ویژگی‌های جنسیتی مردان و زنان به همراه گزاره مفهومی اولیه

مقوله کلی	مقوله فرعی	آیات قرآن کریم	گزاره مفهومی
۱. بعد فردی	الف) شخصیت	هر کس عمل صالح انجام دهد در حالیکه مومن	- خلقت زن و مرد یکسان است و ذاتا برای زن و مرد بودن هیچگونه برتری فطری وجود ندارد.
		است خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد (نحل/۹۷).	- ظرفیت وجودی زن و مرد برای رسیدن به صفات برتر اعتقادی، اخلاقی و سیر مراحل ایمان و کمال یکی است.
درونی		ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ولی گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماس است خداوند دانا و خبیر است (حجرات/۱۳).	- پیشگاه خداوند متفاوت نیست و تنها معیار برتری شخصیت و مقام معنوی آنهاست.
			- مردان بیشتر با ملاک‌های عقلی (نیروی تفکر) عمل می کنند در حالیکه زنان بیشتر با محوریت عاطفه قدرتمند خود عمل می نمایند و اصالت آرامش به زن داده شده است.
			- زن و مرد تفاوت های جسمانی و روانی مشخصی دارند و دو جنس مکمل یکدیگرند.
			- تمام نفوس انسانی (زن و مرد) در اصل محترمند.
			- شرایط حصول معرفت حقیقی برای زن و مرد یکسان است.
			- تقوا نیز برای زن و مرد یکسان است و عامل جنسیت در آن دخیل نیست.
			- استعداد علم آموزی در زن و مرد تفاوت ندارد.
آیات:			
ب) مسئولیت		(غافر/۴۰)، (نساء/۱۲۴)، (نحل/۵۸ و ۵۹)، (تغابن/۲)، (انبیاء/۹۴)، (طه/۱۱۲)، (اسراء/۱۹)، (آل عمران/۳۶) (رعد/۱۰) - ۸، (احزاب/۳۵).	- هر دو جنس زن و مرد بطور یکسان در مقابل اعمال نیک و بد خود مسئول بوده و متحمل عواقب کار خود می شوند.
			- امکان ارتکاب اعمال برخلاف دستورات الهی توسط زن و مرد وجود دارد ولی راه برگشت (توبه) وجود دارد.
			- در لزوم حفظ عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام بین زن و مرد فرقی نیست، چشم چرانی هم برای زنان و هم برای مردان حرام است، لازمه ایمان حفظ نگاه از حرام است.
			- ایلاء یک صفت زشت جاهلی است و مرد در برابر زن مسئول

به مردان باایمان بگو است.
چشم‌های خود را از نگاه
به نامحرمان فرو گیرند و
فروج خود را حفظ کنند
این برای آنها پاکیزه تر
است (نور/۳۰) و به زنان
باایمان بگو چشم‌های
خود را از نگاه‌های هوس
آلود فرو گیرند و دامان
خویش را حفظ
کنند (نور/۳۱).

سایر آیات:

(حجرات/۱۲ و ۱۱)،

(همزه/۱)، (توبه/۸۰ و

۷۰)، (بقره/۲۲۶)،

(بقره/۲۸۶)، (بقره/۲۴۲)،

(نساء/۱۷)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مقوله کلی	مقوله فرعی	آیات قرآن کریم	گزاره مفهومی
۱. بعد فردی درونی	ج) نیازها	در شب روزه داری آمیزش با همسرانتان حلال شد ایشان پوششی برای شما و شما پوششی هستید برای آنان(بقره/۱۸۷). سایر آیات: (بقره/۲۲۳ و ۲۲۲)، (نساء/۱۳۰-۱۲۸)، (تغابن/۱۵ و ۱۴).	- اسلام به نیازهای طبیعی توجه کامل دارد، نیاز زن و مرد به یکدیگر دوطرفه است و هر یک برای پوشش نیازهای طبیعی خود به دیگری نیازمند است. به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسبازی نگاه نشود چرا که نتیجه روابط زناشویی سالم، تولد فرزند صالح است. - زن و مرد بایستی در حفظ اصول اعتقادی خویش قاطعیت داشته باشند و در مقابل انتظارات غیر شرعی همدیگر مقاومت کنند. - هر جا سخن از حق و حقوق زن و مرد است، طرفین باید حضور داشته باشند.
د) استقلال		هیچ مرد و زن مومن را سزاوار نیست که وقتی خدا و رسولش امری را صادر فرمودند باز هم در امور خود، خود را صاحب اختیار بدانند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند به ضلالتی آشکار گمراه شده است(احزاب/۳۶). سایر آیات: (بقره/۲۳۳)، (نور/۲۹-۲۷).	- حدود اختیار هر دو جنس زن و مرد تنها در اموری است که مخالف اختیار حکم خدا و رسول نباشد. - انسان (اعم از زن مرد) مالکیت دارد ولی در خرج کردن محدودیت دارد، اسراف حتی در انفاق نیز جایز نیست. - دامنه استقلال و آزادی مردان و زنان تا آنجایی گسترده است که به حق همسر لطمه ای نزده و برایش مزاحمتی نداشته باشد. - ورود به خانه های غیر بدون کسب اجازه ممنوع است. - استقلال و آزادی در انتخاب همسر و تشکیل خانواده
مقوله کلی	مقوله فرعی	آیات قرآن کریم	گزاره مفهومی
۲. بعد الف)		برای مردان از آنچه پدر	- زنان نیز مانند مردان از حقوق اجتماعی برخوردار هستند و

و مادر و خویشاوندان از حمایت از حقوق آنان حکم خدشه ناپذیر خداوند است. بطور مثال خدا زنان را مالک دانسته و برایشان بهره ای از ارث قرار داده است.

سهمی است خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و لازم‌الاداء (نساء/۷). تاثیرگذار است.

ای فرزندان آدم، لباسی برای شما فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت

شماست و لباس پرهیزگاری بهتر است، اینها همه از آیات خداست، شاید متذکر

نعمت‌های او شوید (اعراف/۲۶). و هم زنان از حقوق یکسانی برخوردارند.

سایر آیات: پوشش هم برای زنان و هم برای مردان واجب است. پوشیدن (آل‌عمران/۱۹۵)، لباس‌های نامانوس، عجیب و غریب، مدپرستی توسط زنان و مردان سبب بسیاری از مشکلات اجتماعی می‌گردد و لباس تن نپایستی بگونه ای باشد که لباس تقوا از اندام ایشان (زن و مرد) بیرون نیاید. (نساء/۷۵ و ۷۴)

(نساء/۱۲۷)، رعایت و حفظ حدود حجاب توسط زنان برای تامین و تحکیم روابط خانوادگی لازم و واجب است. (احزاب/۲۸)

(احزاب/۳۲)، جلوه گری زنان در جامعه ممنوع بوده و حضور زن در جامعه با حفظ حجاب مانعی ندارد. (احزاب/۵۹)

(اعراف/۲۸)، (نور/۳۱)، لباس تن زن باید بگونه ای باشد که موجب تحریک شهوات و توسعه فساد و خودنمایی و تکبر و اسراف و تبذیر نگردد. (نور/۵۸)، (نور/۶۰).

- همه مردم نسبت به مسئله نگاه و حجاب مسئولند و باید متوجه نگاه‌های حرام خود باشند.

مقوله	فرعی	کلی
۲. بعد	(ب)	آگاه باشید اولیا و دوستان
اجتماعی	زندگی	خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند(یونس/۶۲).
بیرونی	معنوی	مومنان کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد(رعد/۲۸).
		سایر آیات:
		(نحل/۹۷)، (یونس/۶۵-۶۳).
		تخلّف ناپذیر الهی می‌دانند.
		- دوستی و محبت بین همسران از الطاف الهی است.
		- پیوند زناشویی پیوندی براساس منافع متقابل طرفین است.
		- مهریه یکی از حقوق مسلم زنان و یک پشتوانه اجتماعی برای زن می‌باشد.
		- توجه به حقوق و نیازهای روحی و غریزی زن یک اصل است.
		- طلاق یک راه حل است و در صورتی که ادامه همسری برای طرفین طاقت فرسا باشد، امری حلال است.
		- زن و مرد هر دو به یک اندازه در حفظ حریم خانواده و سلامت آن مسئول هستند و در صورت خیانت به یکدیگر به صورت یکسان مجازات می‌شوند.
		- بدلیل ترجیح قدرت تفکر مرد به نیروی عاطفه و احساسات و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر از زن، مرد سرپرست و رئیس خانواده است.
		- تامین هزینه‌های زندگی و فرزندان برعهده پدران است.
		- زن و مرد در برابر همدیگر و فرزند و نسل خود متعهد هستند و
		آگاه باشید اولیا و دوستان خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند(یونس/۶۲).
		مومنان کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد(رعد/۲۸).
		سایر آیات:
		(نحل/۹۷)، (یونس/۶۵-۶۳).
		تخلّف ناپذیر الهی می‌دانند.
		- دوستی و محبت بین همسران از الطاف الهی است.
		- پیوند زناشویی پیوندی براساس منافع متقابل طرفین است.
		- مهریه یکی از حقوق مسلم زنان و یک پشتوانه اجتماعی برای زن می‌باشد.
		- توجه به حقوق و نیازهای روحی و غریزی زن یک اصل است.
		- طلاق یک راه حل است و در صورتی که ادامه همسری برای طرفین طاقت فرسا باشد، امری حلال است.
		- زن و مرد هر دو به یک اندازه در حفظ حریم خانواده و سلامت آن مسئول هستند و در صورت خیانت به یکدیگر به صورت یکسان مجازات می‌شوند.
		- بدلیل ترجیح قدرت تفکر مرد به نیروی عاطفه و احساسات و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر از زن، مرد سرپرست و رئیس خانواده است.
		- تامین هزینه‌های زندگی و فرزندان برعهده پدران است.
		- زن و مرد در برابر همدیگر و فرزند و نسل خود متعهد هستند و

می‌بخشد و به هر کس باید برای عاقبت نیکوی فرزندان تلاش کنند.
بخواهد پسر(شوری/۴۹) یا - دختر و پسر هر دو هدیه خداوند است و ناخرسندی از داشتن
اگر اراده کند پسر و دختر هر فرزند دختر و پسر کفران نعمت الهی است.
دو به آنها می‌دهد و هر کس را بخواهد عقیم می
گذارد(شوری/۵۰).

سایر آیات:

(نور/۱۰-۴)، (نساء/۱۹)،

(نساء/۳۴)، (انعام/۱۵۱)،

(تحریم/۶)، (کهف/۴۶)،

معارج/۲۸-۲۲)، (آل

عمران/۱۴)، (کهف/۷)



مقوله کلی	مقوله فرعی	آیات قرآن کریم	گزاره مفهومی
۲. بعد اجتماعی و بیرونی فرزندان	د) خانواده و فرزندان	و اگر از ناسازگاری و جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنای اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می‌رساند و خداوند (از نیت همه) باخبر و آگاه است (نساء/۳۵).	- در تعارضات زناشویی نمی‌بایست فرزندان، دخالت داده شوند. - زن و مرد اگر از صفات و خصوصیتی از همسر خود ناراضی هستند می‌بایست اختلافات را از طریق عاطفی حل کنند و اسرار زناشویی نباید فاش شود. - تعارضات و تنش‌های موجود آمده در زندگی زوجین، بایستی از طریق حکم حل شود و زن و مرد در انتخاب داور و حکم حق یکسان دارند. - زندگی جدای زن و مرد از یکدیگر به صورت موقت و در خانه‌های جداگانه بیش از چهارماه مجاز نیست. - وجود روابط فرازناشویی هم برای زنان و هم برای مردان منفور شناخته شده و شامل مجازات می‌گردد و این مجازات برای جلوگیری از الگو شدن یک رفتار نابهنجار در ملأ عام انجام می‌شود. - در روابط فرازناشویی، هر دو طرف زن و مرد به یک میزان مجازات می‌شوند. - زنا در کنار شرک قرار گرفته است. - از حقوقی که یک مرد در آستانه مرگ بایستی رعایت کند، پرداخت هزینه‌های زندگی زن تا یکسال است.
		مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را جز چیز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مومنان تحریم شده است (نور/۳). سایر آیات: (احزاب/۴۹)، (بقره/۲۴۰)	

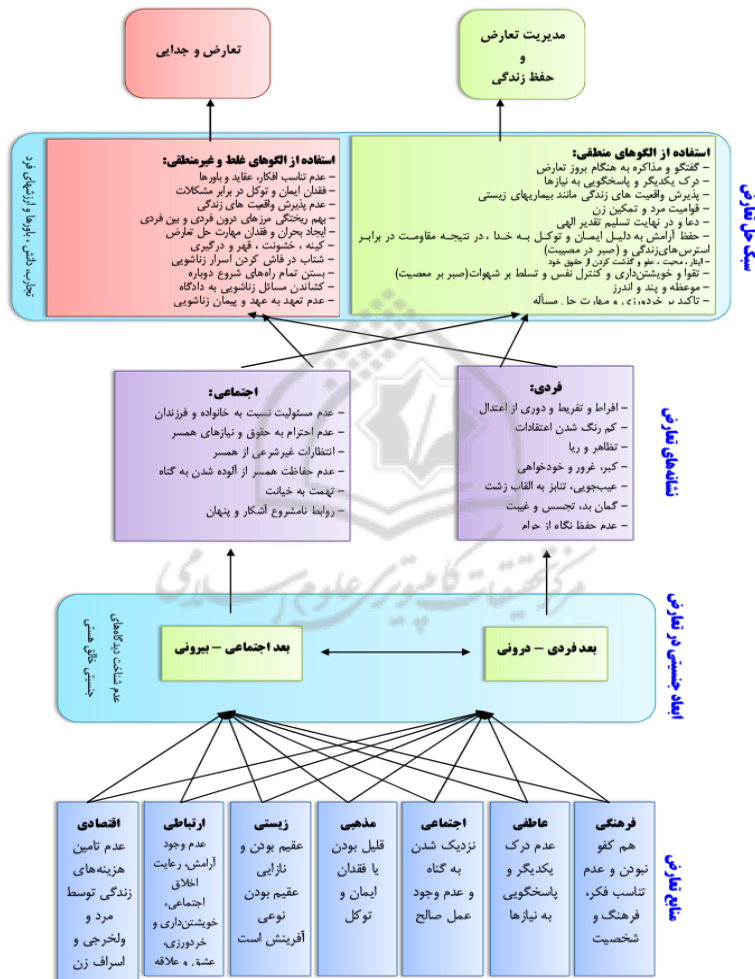
سوال ۲- ویژگی‌های الگوی مشاوره‌ای مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم چیست؟
ویژگی‌های الگوی مشاوره‌ای که براساس ابعاد جنسیتی منتج از آیات قرآن کریم می‌توان برشمرده عبارتند از: ۱- دیدگاه قرآن کریم به نقش مردان و زنان یک نظر کاملاً متوازن و بدون تفضیل ارزشی می‌باشد. ۲- با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان منابع تعارض را در هفت دسته

به صورت زیر تقسیم بندی نمود: ۱- فرهنگی؛ هم کفو نبودن و عدم تناسب فکر، فرهنگ و شخصیت. ۲- عاطفی؛ عدم درک یکدیگر و پاسخگویی به نیازها. ۳- اجتماعی؛ نزدیک شدن به گناه و عدم وجود عمل صالح. ۴- مذهبی؛ قلیل بودن یا فقدان ایمان و توکل. ۵- زیستی؛ عقیم بودن و نازایی (عقیم بودن برابر نظر قرآن کریم نوعی از آفرینش است). ۶- ارتباطی؛ عدم وجود آرامش، رعایت اخلاق اجتماعی، خویشتن داری و خردورزی، عشق و علاقه افراطی. ۷- اقتصادی؛ عدم تأمین هزینه‌های زندگی توسط مرد و ولخرجی و اسراف توسط زن. ۳- دیدگاه قرآن کریم بحثی به عنوان یکی از منابع و زمینه‌های تعارض بین زوجین وجود دارد با عنوان نزدیک شدن به گناه و عدم وجود عمل صالح که این مورد منحصر به فرد بوده و در نظریه‌هایی که منابع تعارض را معرفی می‌کنند وجود ندارد. در واقع از نگاه قرآن کریم در صورتی که هر یک از مرد یا زن، آلوده به انواع گناهان شود و در این مسیر حرکت نماید، در واقع مستعد بودن خود را در این زمینه بروز داده و اینکه عاملی برای کنترل رفتار فرد وجود نداشته و این امر می‌تواند موجب بروز تعارض در روابط با همسر فرد شود. چرا که خواسته‌های گناه‌آلود فرد با واکنش همسر مواجه شده و این امر سبب ایجاد تعارض می‌گردد. ۴- عدم شناخت دیدگاه‌های خالق هستی در ارتباط با باورهای درونی شده در زنان و مردان، باورهایی که به صورت رفتارها و نقش‌های اجتماعی در موقعیت‌های مختلف در جامعه مشاهده می‌شود و براساس آن، انتظارات از زنان و مردان طرح ریزی و تعیین می‌شود. ۵- قرآن کریم نشانه‌های تعارض در بعد فردی را در موارد زیر ارائه می‌دهد؛ افراط و تفریط و دوری از اعتدال - کم رنگ شدن اعتقادات - تظاهر و ریا - کبر، غرور و خودخواهی - عیب‌جویی، تنابز به القاب زشت - گمان بد، تجسس و غیبت - عدم حفظ نگاه از حرام - عدم خوف و ترس از مجازات الهی و در بعد اجتماعی؛ عدم مسئولیت نسبت به خانواده و فرزندان - عدم احترام به حقوق و نیازهای همسر - انتظارات غیرشرعی از همسر - عدم حفاظت همسر از آلوده شدن به گناه - تهمت به خیانت - روابط نامشروع آشکار و پنهان. می‌توان با مشخص بودن منابع تعارض و با عنایت به تعریف ارائه شده از جنسیت که در دو بعد فردی، درونی و اجتماعی، بیرونی تقسیم

بنی بود و نیز استنباط نشانه‌ها در متن آیات و تفاسیر ارائه شده، به الگوی زیر

برای حل تعارضات زناشویی از دیدگاه قرآن رسید:

سؤال ۲- ویژگی‌های الگوی مشاوره‌ای مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم چیست؟



الگوی مشاوره‌ای حل تعارضات زناشویی بر اساس دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم

سوال ۱- ویژگی‌های جنسیتی مردان و زنان از دیدگاه قرآن کریم چیست؟ همانطور که در جدول یک نشان داده شد، ویژگی‌های جنسیتی زنان و مردان با توجه به تعریف ارائه شده در دو بعد فردی- درونی با چهار مقوله مسئولیت، شخصیت، نیازها، استقلال و بعد اجتماعی- بیرونی با چهار مقوله زندگی اجتماعی، زندگی معنوی، ازدواج، خانواده و فرزندان طبقه بندی شده‌اند. این ابعاد با توجه به متون مرتبط با تعارضات محل درگیری‌های معمول زوجین است.

الف) ویژگی‌های جنسیتی زنان و مردان در بعد فردی- درونی

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، داشتن مسئولیت برای زن و مرد دارای ارزش برابر است. داشتن مسئولیت، انسان را از وابستگی و طفیلی زیستن آزاد می‌کند و در مرحله جدیدی از رشد و کمال قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که خودش با اراده‌ای نیرومند و فکر آزاد، عهده‌دار اداره زندگی خود می‌شود.

زوجین مسئولیت پذیرتر می‌توانند به ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه میان اعضای خانواده و حل تعارضات خانواده کمک کند. همانطور که در پژوهش حاضر نیز نشان داده شد تأکید قرآن کریم بر این است که در یک خانواده سالم؛ هر دو جنس زن و مرد بطور یکسان در مقابل اعمال نیک و بد خود مسئول بوده و متحمل عواقب کار خود می‌شوند (حجرات/ ۱۲ و ۱۱)، (همزه/ ۱)، (توبه/ ۸۰ و ۷۰)، (بقره/ ۲۲۶)، (بقره/ ۲۸۶)، (بقره/ ۲۴۲)، (نساء/ ۱۷).

بلانک (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای از تحلیل مصاحبه با خانواده‌های مذهبی دریافت، مسئولیت پذیری از طریق ایجاد سلامت روانی در زوجین و ایجاد ویژگی‌هایی مانند صبر، گذشت و تعهد خانوادگی در آنها به ایجاد روابط همدلانه میان زوجین کمک می‌کند. تیلور و چتر (۲۰۰۵) نیز

در مطالعه‌ای نشان دادند مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده باعث می‌شود زوجین، خانواده را در درجه اول اهمیت قرار دهند و به این ترتیب تعهد و همبستگی خانوادگی تسهیل گردد.

مقوله دیگری که در بعد فردی- درونی، مورد بررسی قرار گرفت ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با زندگی معنوی انسان بود. در قرآن کریم، در این زمینه به مقولات عقل و عاطفه (احزاب /۲۸ / نساء /۱۲۷ / روم /۲۱ / آل عمران /۱۹۵ / اعراف /۲۸)، گرایش به حقیقت‌جویی و گرایش به یافتن آگاهی (تغابن، /۱۵ / اعراف، /۲۹)، پرهیزگری و کنترل خود (تقوا) (حجرات، /۱۳)، ظرفیت آفرینشی (نحل، /۹۷)، برترخواهی (تقرب الهی) (یونس /۶۵ / انعام /۶۷) و معنویت جویی اشاره نموده است (یونس /۶۵ / رعد /۲۸).

کنترل خود و پرهیزگری (تقوا) نقش محوری در زندگی زوجین بازی می‌کند. تقوا را می‌توان یک جوهره الهی افراد و یک کیفیت درونی انسانی دانست که عبارت است از ارتباط با یک وجود متعالی، باور به رشد و بالندگی در راستای گذر از مشکلات خانوادگی و تنظیم زندگی شخصی بر مبنای ارتباط با وجود متعالی و درک حضور دایمی وجودی متعالی است. این بعد وجود انسان فطری و ذاتی است و با توجه به رشد بالندگی انسان و در نتیجه انجام تمرینات و مناسک دینی متحول شده و ارتقا می‌یابد.

نتایج پژوهش کاظمیان (۱۳۹۱) نشان داد تقوا به همان اندازه که برای مرد ارزشمند است، برای زن نیز ارزشمند است و توانایی یکسانی در جهت کسب آن دارند.

اما در برخی خصایص شخصیتی میان آنان تفاوت‌هایی وجود دارد از جمله اینکه در قرآن به این مطلب اشاره شده که مردان بیشتر با توجه به ملاک‌های عقلی (نیروی تفکر) عمل می‌کنند در حالیکه زنان بیشتر با محوریت عاطفه قدرتمند خود عمل می‌نمایند (نحل /۵۸ و ۵۹)، (تغابن /۲)، (انبیاء /۹۴)، (طه /۱۱۲)، (اسراء /۱۹)، (آل عمران /۳۶) (رعد /۱۰-۸)، (احزاب /۳۵). به عبارتی زن و مرد تفاوت‌های جسمانی و روانی مشخصی دارند و دو جنس مکمل یکدیگرند (حجرات /۱۳)، (غافر /۴۰)، (نساء /۱۲۴)، (نحل /۹۷).

افرادی که بیشتر با شخصیت‌های یکدیگر آگاهی دارند، بهتر می‌توانند با تعارضات پیش آمده کنار بیایند. آگاهی بیشتر از ویژگی‌های شخصیتی یکدیگر، توانایی لذت بردن و رضایت از زندگی زناشویی را هم در خودشان و هم در همسران افزایش می‌دهد. نقاط قوت و ضعف فردی که هر یک از زوجین به رابطه می‌آورد، نقشی اساسی در بروز و یا حل تعارضات دارد. این ویژگی‌های نسبتاً ثابت می‌تواند شخصیت، عقاید و نگرش‌های مرتبط با ازدواج، خانواده مبدأ و پیشینه اجتماعی را در بر گیرد (لاوجوی، ۲۰۰۴).

هرچند نظریه پردازان شخصیت معتقدند که شخصیت، نقش حساسی برای پیش‌بینی کارکرد خانواده و رضایت‌مندی زناشویی ایفا می‌کند. اما این ابعاد شخصیتی کمتر مورد توجه ایشان قرار گرفته است. همانطور که آنها عنوان کردند، آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی یکدیگر نقشی اساسی بر کارکرد خانواده دارد که به کیفیت مثبت یا منفی در آن منجر می‌شوند. آگاهی زوجین از ویژگی‌های شخصیت یکدیگر، نقش واسطه‌ای و ابزاری در سازگاری و کارکرد خانواده دارند و موجب هدایت افراد در مواجهه با موقعیت‌های خاص زندگی می‌شوند که در نهایت به سازگاری و آرامش روانی می‌انجامد (دینر، ساندویک، پاوت و فوجیتا، ۱۹۹۲؛ مک کری و کاستا، ۱۹۹۱).

از ابعاد تربیتی ازدواج، پرورش جمال در مرد و تعدیل جلال در او و پرورش جلال در زن و تعدیل جمال در او است. مرد، مظهر جلال الهی است؛ لذا در او رفتارهای هیبت و قاطعیت و کوبندگی کاملاً مشهود و محسوس است. این جلال الهی نه تنها در تکوین نفسی او - اعم از اندیشه و اخلاق و رفتار او - غالب و مشهود است بلکه در تکوین بدنی او هم مشهود است. بدن مرد از استحکام و قوت و قدرت برتر برخوردار است.

یافته‌های پژوهش داینر، ساندویک، پاوت و فوجیتا^۲ (۲۰۱۲) نشان داد مغز انسان دو بخش خاکستری و سفید دارد که بخش خاکستری آن مربوط به رفتارهای جلالی و عقلانی است و

1. Diener, E. & Sandvik, E., Pavot, W. & Fujita, F.

۲- روانشناسی اختلاف، حمزه گنجی

بخش سفید آن مربوط به رفتارهای جمالی و عاطفی و احساسی است. بخش خاکستری مغز در مرد بیشتر است از بخش سفید آن.

این یک منشاء جسمی برای غلبه رفتارهای جلالی و عقلانی مرد بر رفتارهای عاطفی و احساس او است. در پژوهش حاضر نیز دریافتیم که جلال الهی در مرد نمایان است و اگر این جلال تعدیل نشود، مرد موجودی بسیار خشن خواهد شد که به مراتب بیشتر از حیوانات درنده دچار خشونت خواهد شد و این خود منشاء فساد عظیمی در زمین خواهد بود. زن هم مظهر جمال الهی است یعنی در تکوین نفسی زن - اعم از اندیشه و اخلاق و رفتار - جمال و مهر و عطف و احساسات ظاهر و غالب است و این جمال الهی از تکوین نفسی او تعدی کرده و در تکوین جسمی او هم ظاهر شده است.

همچنین داینر، سندویک، پات و فوجیتا در پژوهش خود نشان دادند که بخش سفید مغز زن نسبت به بخش خاکستری آن بیشتر است و این یک منشاء بدنی است برای احساسی بودن زن و غلبه رفتار عاطفی و جمالی بر رفتار جلالی و عقلانی در او (داینر، سندویک، پات و فوجیتا، ۲۰۱۲).

عرضه انواع مظاهر جمال زن بر مرد برای پرورش و ترمیم جمال در مرد است. بنابراین ازدواج زمینه‌ساز پرورش مهر و عطف رفتاری در مرد و پرورش رفتار و اخلاق جلالی و عقلانی و تعدیل عواطف و احساسات در زن است. وقتی عقل‌گرایی خشک در مرد با مهرورزی زن تعدیل شود و عاطفه‌گرایی زن با عقل‌گرایی و عقل‌مداری مرد تعدیل شود، انسان در مقام اعتدال قرار می‌گیرد و اندیشه‌ها و اخلاق و رفتار معتدل تولید می‌کند و این امر هم خود در کاهش تعارضات زناشویی و افزایش رضایت از زندگی تاثیر بسزایی دارد.

از دیگر مقوله‌های بعد فردی-درونی که در این پژوهش به دست آمد؛ مقوله نیازها و حقوق زوجین نسبت به یکدیگر بود. همان طور که حقوقی برای مرد وضع شده تا زن آن را رعایت کند، زن نیز حقوق مختلفی بر مرد دارد که او نیز موظف است آن را رعایت کند. کلمه «بالمعروف» که در برخی از آیات ذکر شده برای آن است که نباید هیچ یک از زوجین از

حقوق خود سوء استفاده کند و از نیازهای طرف مقابل غافل شود. زن و مرد باید مصلحت اندیش بوده و حفظ حقوق متقابل و تامین نیازهای یکدیگر را آن طور که شایسته است بر عهده گیرند (بقره/۱۸۷)، (بقره/۲۲۳ و ۲۲۲)، (نساء/۱۳۰-۱۲۸)، (تغابن/۱۵ و ۱۴).

پرلز و پرلز^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشی دریافتند زوجینی که رضایت بهتری از زندگی زناشویی خود گزارش کرده اند؛ در هنگام بروز تعارضات این عامل را به عنوان یکی از موثرترین راهکارها تلقی کرده‌اند: «با یکدیگر در رابطه با حل مؤثر آن مشارکت داشته و به تفاوت نیازها و دیدگاه‌های یکدیگر احترام می‌گذارند». آنها ترجیح می‌دادند که برای رفع تعارضات با یکدیگر گفتگو کرده تا به این ترتیب با نیازهای یکدیگر آشنا شوند. همچنین اشخاص ثالثی را درگیر حل تعارضات خود نمی‌ساختند.

هرچه میزان توجه به نیازهای یکدیگر بیشتر باشد، زوجین بهتر می‌توانند در رابطه با تعارضات چاره اندیشی کرده و با آن مصالحت آمیز کنار آیند. به نظر می‌رسد که آگاهی از نیازها و حقوق متقابل یکدیگر ویژگی محوری ازدواج‌های بادوام باشد یعنی سایر ویژگی‌های ازدواج‌های بادوام یا تحت تأثیر این ویژگی هستند یا به نوعی با آن در ارتباط هستند (سنو، ۲۰۰۲).

ادین (۲۰۰۰)، توجه به نیازهای یکدیگر را به عنوان پایه و اساس ازدواج سالم، توصیف می‌کند. او اظهار می‌کند که وجود صمیمیت تحت تأثیر نیاز زوجین به آن و اینکه آنها چگونه به این نیاز توجه می‌کنند، قرار دارد. بنا به گفته بارگامزی، ارتباطات زناشویی سالم، زمانی به دست می‌آید که توجه به نیازهای یکدیگر در پیش زمینه تعاملات متقابل زناشویی وجود داشته باشد، در نتیجه یک محیط امن متقابل برای بوجود آوردن صمیمیت و رشد و شکوفایی آن فراهم می‌شود. زوجین متعهد به نیازهای طرف مقابلشان اولویت می‌دهند و خواسته آنها، فداکاری برای همسر است. تعهد به عنوان یک اصل حیاتی روابط سالم پذیرفته شده است و به طور مستقیم با توجه به نیازهای طرف مقابل مرتبط است (استنلی و مارک من و ویتون، ۲۰۰۲).

1. Perls, S.R. and Perls, R.D.

مقوله چهارم از بعد فردی- درونی؛ مفهوم استقلال است. در قرآن به این مطلب اشاره شده که زنان و مردان در انتخاب همسر و تشکیل خانواده آزاد و مستقل از یکدیگرند. همچنین به این مطلب اشاره کرده که دامنه استقلال و آزادی مردان و زنان پس از تشکیل خانواده تا آنجایی گسترده است که به حق همسر لطمه‌ای نزده و برایش مزاحمتی نداشته باشد (احزاب/ ۳۶)، (بقره/ ۲۳۳)، (نور/ ۲۹-۲۷).

ازدواج به منزله تعهدی است که باید تا پایان زندگی به آن پایبند بود. برخی از زوجین نه به خاطر هنجارهای اجتماعی بلکه به خاطر تعهد شخصی که محصول روابط میان آنان است، به ازدواج خود پایبند می‌مانند و مفهوم آزادی و استقلال را با توجه به نهاد خانواده برای خود تعریف می‌کنند (ماس^۱، ۱۹۸۲).

از نگاه قرآن، آزادی مقدمه حیات است و همه آزادی‌های انسان برای آن است که حیات اصیل و ارجمند برای خود فراهم سازد. حقیقت این است که اصل آزادی در اینجا بدین معنا است که زن و مرد در مورد تشکیل خانواده از آزادی برخوردارند. تعالیم اسلامی صراحتاً به فواید و اثرات مثبت خانواده اشاره می‌کند اما هرگز از انسان سلب آزادی نمی‌کند و انتخاب را بر عهده زن و مرد می‌گذارد. اما هر یک از زن و مرد با ورود به حیطه خانواده تا حدی از آزادی‌هایشان کاسته می‌شود و گهگاه با قواعد امری مواجه می‌شوند.

حقیقت اصل آزادی در این برهه، حقوقی جلوه می‌نماید نه اخلاقی و به نظر می‌رسد تا زن و مرد پا به حیطه خانواده نگذاشته‌اند ماهیت اصول حاکم بر روابط این دو، همچون سایر افراد جامعه بیشتر جلوه حقوقی دارد تا اخلاقی. قرآن صراحتاً به این امر صحنه می‌گذارد که حقوق صرف نمی‌تواند در محیط خانواده به طور شایسته حکم فرمایی کند. حقیقت وجودی خانواده با احکام آمرانه سازگاری ندارد و حقوقی کردن اخلاق هم راه به جایی نمی‌برد بلکه باید در بستر یک پیوند ناگسستنی و معنوی، حقوق و اخلاق توأمان در کنار هم در جامعه فراهم گردد و این

1. Mace , D, R

نکته توجه شود که نبود هر یک موجب خلا و نقصان روابط خانوادگی می‌گردد. در محیط خانواده نمی‌توان قواعد حقوقی و اخلاقی را از هم جدا ساخت.

حقوق صرفاً نمی‌تواند تضمین‌کننده استحکام (زندگی) زن و شوهر باشد. لذا توصیه‌های اخلاقی در کنار قوانین حقوقی می‌تواند تضمینی برای استحکام خانواده باشد. آن چیزی که در مسایل حقوقی نمی‌گنجد، رابطه‌ای عاطفی است که بین زن و مرد در اسلام بدان توصیه شده و می‌تواند تضمین‌کننده باشد (شجاعی بیدواز، ۱۳۸۵).

ب) در بعد اجتماعی- بیرونی حل تعارضات با توجه به آیات قرآن کریم چهار مقوله مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از:

زندگی اجتماعی، زندگی معنوی، ازدواج، خانواده و فرزند. ۵۱ آیه از قرآن کریم در این چهار مقوله احصاء و طبقه‌بندی شد. همانطور که در این پژوهش نشان داده شد؛ خانواده نهادی است که صرفاً با توصیه اخلاقی نمی‌توان آن را بنا کرد. بلکه توجه به قوانین حقوقی نیز برای حل تعارضات میان زوجین ضرورت دارد.

در این نهاد، مرد سرپرست خانواده و موظف به رعایت مصلحت خانواده، تأمین معاش خانواده و فراهم کردن وسایل آرامش و آسایش همسر، حسن معاشرت با همسر، سعی در تربیت فرزندان و رعایت حریم دیگر خانواده‌هاست. همسر نیز ضمن تربیت تعالی شخصیت فرزندان، موظف به اطاعت از مرد در حریم زناشویی و همکاری با همسر در امور مهم خانوادگی است. فرزندان نیز ضمن برخورداری از حقوق فراوان، موظف به رعایت، دستورات والدین هستند (بحارالأنوار، ج ۷۴). بنابراین مسئولیت و شأن هر یک از اعضای خانواده با توجه به ویژگی‌های جنسیتی در مقوله ازدواج (روم/۲۱- بقره/۲۳۷ و ۲۳۶- بقره/۲۴۱- نساء/۴- نساء/۱۹ و ...)، خانوادگی (خانواده فرزندان) (شوری/۵۰- نساء/۱۹- نساء/۳۴- انعام/۱۵۱- تحریم/۶- کهف/۴۶- معارج/۲۸-۲۲- آل عمران/۱۴- کهف/۷ و) کاملاً مشخص است که به تفصیل در جدول شماره ۱ آورده شده‌اند.

اما تأکید قرآن در ویژگی جنسیتی مقوله زندگی اجتماعی بر نقش آفرینی برابر اما گاه‌ها متفاوت زنان با مردان است. در قرآن تأکید بر این است که زنان نیز مانند مردان از حقوق اجتماعی برخوردار هستند و حمایت از حقوق آنان حکم خدشه ناپذیر خداوند است. در قرآن به صراحت اشاره شده که زنان نیز می‌توانند در جامعه نقش الگویی داشته باشند و رعایت اخلاقیات، پوشش مناسب، نماز و زکات (ارتباط با خداوند و مخلوقات خداوند) در پرنسنگ نمودن نقش الگویی آنان بسیار تأثیرگذار است (آل عمران/۱۹۵)، (نساء/۲۵)، (نساء/۱۱ و ۱۲)، (نساء/ ۷۱)، (نساء/۷۵ و ۷۴)، (نساء/۱۲۷)، (احزاب/۲۸)، (احزاب/۳۲)، (احزاب/۵۹)، (اعراف/ ۲۸)، (نور/ ۳۱)، (نور/ ۵۸)، (نور/۶۰).

آخرین مقوله از بعد اجتماعی - بیرونی، مقوله زندگی معنوی است. در پژوهش حاضر، این نتیجه حاصل شد که مقام اجتماعی و معنوی زن و مرد یکسان است و در صورتی که در مسیر اعمال صالح گام بردارند دارای حیات طیبه خواهند بود و تنها از نظر ایمان و عمل صالح بر دیگری برتری دارند (رعد/۲۸) (نحل/۹۷)، (یونس/۶۵-۶۳).

کاظمیان (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود دریافت که؛ زوجین شرکت کننده در پژوهش، معنویت را محور و اساس تصمیم‌گیری‌های فردی و خانوادگی خود می‌دانستند. آنها معتقد بودند زندگی معنوی می‌تواند تمامی ابعاد زندگی آنها را تحت الشعاع قرار دهد. در پژوهش وی نشان داده شد که اعتقاد به خدا مرجع تصمیمات زوجین مورد آزمون بوده و تمامی اعمال و رفتار اعضای خانواده را جهت می‌بخشد و در این رابطه تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد. بر خورداری همسران از باورهای دینی و اعتقادی در تحکیم خانواده تأثیر اساسی دارد. باورهای مذهبی شیوه‌های مؤثری برای مقابله با مصائب، تجارب دردناک و نشانه‌های بیماری است و همچنین در زمان مشکلات و ناراحتی‌ها بر چگونگی روابط انسانی اثر می‌گذارد. باورهای مذهبی اعضای یک خانواده می‌تواند بر شیوه ارتباط آنها با یکدیگر و حفظ جایگاه و مرزهایی که بین اعضای خانواده وجود دارد، تأثیر زیادی داشته باشد. بیگانگی و بی‌توجهی آنها به اعتقادات و باورهای مذهبی باعث مشکلات جدی در زندگی خواهد شد.

مرد یا زن مؤمن که براساس تعالیم اسلام پرورش یافته است همواره مراقب اعمال و رفتار خود می باشد و سعی می کند کلیه حرکات و سکنات خود را براساس دستورات الهی تنظیم نماید لذا در بحث جنسیت نیز به حقوق و تکالیف خود آشنایی کافی داشته و بر محور دیدگاه‌های خالق هستی در مسیر ارائه شده گام برمی دارد. به همین دلیل است که از افراط و تفریط به دور بوده و در واقع یک تنظیم کننده و یک ناظر درونی او را هدایت می کند.

یافته‌های پژوهش حاضر از آن جهت که مذهب محور به مسائل توجه شده همسو هستند با یافته‌های مطالعه بویاتزیس (۲۰۰۵)؛ وی در پژوهشی دریافت معانی، ادراکات و باورهای مذهبی و معنوی، پایه رفتارها و تصمیمات و چگونگی گذران زندگی در افراد مذهبی را تشکیل می‌دهد. بلانک (۲۰۰۱) در مطالعه خود همسو با یافته‌های مطالعه فعلی در طی مصاحبه با خانواده‌های مذهبی دریافت مذهب منبع هدایت در زندگی خانوادگی این افراد بوده و راهنما و ساختار خانواده را تشکیل می‌دهد. مذهب برای زنان و مردان اهمیت یکسانی دارد و به گونه‌ای برابر زندگی آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد و بر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان تاثیر می‌گذارد.

در هر الگوی حل تعارض ابتدا لازم است منابع ایجاد کننده تعارض از آن دیدگاه مشخص شده و سپس بخش‌های بعدی برپایه آن تدوین گردد (کری، ۲۰۰۰). در این پژوهش نیز ابتدا منابع تعارض از آیات قرآن کریم و تفاسیر مربوطه استخراج شد که عبارت است از: ابعاد فرهنگی (هم کفو نبودن، عدم تناسب فکر، فرهنگ و شخصیت)، عاطفی (عدم درک یکدیگر و پاسخگویی به نیازها)، اجتماعی (نزدیک شدن به گناه و عدم وجود عمل صالح)، مذهبی (قلیل بودن یا فقدان ایمان و توکل)، زیستی (عقیم بودن و نازایی)، ارتباطی (عدم وجود آرامش)، عدم رعایت اخلاق اجتماعی، عدم خویشتن داری و خردورزی، عشق و علاقه افراطی)، اقتصادی (عدم تأمین هزینه‌های زندگی توسط مرد و ولخرجی و اسراف توسط زن) است. لازم به ذکر است که زیربنای همه این تعارضات در دو مقوله عدم شناخت مفهوم جنسیت از دیدگاه خالق هستی و نیز تجارب، دانش‌ها، ارزش‌ها و باورهای فرد، زمینه بروز و ظهور می‌یابد.

زیربنای همه جهت‌گیری‌های انسان در زندگی - از جمله نسبت به ویژگی‌های جنسیتی‌اش - عقاید و باورهای اوست که متأثر از شناخت است. بنابراین شناخت، بالاترین نقش را در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. اگر باورهای انسان در زندگی و به ویژه در خانواده صحیح و مطابق با خواسته‌های خالق هستی باشد، زندگی او هم در مسیر صحیح و کارآمدی قرار خواهد گرفت و اگر بینش‌های نادرست، جهت‌دهنده زندگی فرد باشد، زندگی را به بیراهه برده، آن را ناکارآمد می‌سازد. از این رو اسلام بیش از هر چیز به اصلاح شناخت و بینش‌های انسان اهمیت می‌دهد و برترین افراد را از نظر ایمان کسانی می‌داند که از نظر شناخت بر دیگران برتری دارند (بافرانی و مهدوی راد، ۱۳۹۰). لذا در این پژوهش عدم شناخت دیدگاه‌های جنسیتی خالق هستی را به مثابه بستر بروز تعارض فردی - درونی و تجارب، دانش‌ها، ارزش‌ها و باورهای فردی را به مثابه بستر بروز تعارض اجتماعی - بیرونی در نظر گرفتیم.

در نهایت با توجه به منابع تعارضی که منجر به تعارض در ابعاد جنسیتی (فردی - درونی و اجتماعی - بیرونی) می‌شود، دو الگوی منطقی و غیرمنطقی به دست آمد. در الگوی منطقی که حاصل آن مدیریت - حل تعارض و تداوم خانواده است؛ زوجین سبک‌های رفتاری خاصی را دنبال می‌کنند که درست نقطه مقابل منابع تعارض مطرح شده در الگو هستند. یعنی هفت منبع تعارض: فرهنگی - زیستی - اقتصادی - ارتباطی - عاطفی - اجتماعی - مذهبی که در ابعاد جنسیتی فردی - درونی و اجتماعی - بیرونی نقش‌آفرینی می‌کنند. به عبارتی با معکوس کردن این چرخه می‌توان در جهت ایجاد الگوی منطقی رفتار گام برداشت.

زوجین می‌توانند با آگاهی یافتن از این منابع تعارض در جهت حل تعارضات خود پیش روند. مقوله فرهنگی و مقوله اقتصادی از جمله مقولاتی هستند که به ویژه ضرورت دارد پیش از تشکیل خانواده به آنها توجه لازم را مبذول دارند. به عبارتی به حاکمیت حقوق بر شکل‌گیری خانواده و در نتیجه تأثیر بسزایی که در تداوم آن و حل تعارضات زناشویی دارد، اشاره می‌کند.

کفو به معنی تساوی در دو چیز است و در نکاح یعنی اینکه زوج مساوی با زن باشد در اصیل زاده بودن، در دین و نسب و غیره (لسان الغیب، ج ۱) کفو بودن دو همسر یعنی تناسب، همتایی، هماهنگی، هم شانی و سنخیت و مفهوم «فرهنگی» اشاره به این مطلب دارد که دو همسر در دین و ایمان از لحاظ خانواده از لحاظ فکری و اخلاقی و ... همتایی با یکدیگر داشته باشند که برای هر یک در اسلام تأکیدات بسیار شده است. همه این دستورات جهت انتخاب همسر نشان دهنده میزان اهمیت و حساسیت تشکیل خانواده است (بحار الانوار، ۱۳۶۴).

در رابطه با مفهوم «اقتصادی» در مباحث حقوقی اسلام، زن و فرزندان به عنوان واجب النفقه مرد شناخته می‌شوند یعنی مرد باید هزینه‌های ضروری همسر از جمله غذا، مسکن و لباس و حتی وسایل زینت و آرایش وی مانند عطر و خضاب را تأمین نماید (وسائل الشیعه، ج ۲۱).

الگوی که آموزه‌های اسلامی در زمینه دخالت‌های عاطفی اعضای خانواده می‌دهد، الگوی مسئولیت سرپرست خانواده نسبت به سایر اعضای آن است (تحریم/۶). مرد به عنوان سرپرست خانواده وظیفه دارد خود و اعضای خانواده را در جهت رشد متعادل و کمال انسان کمک کند و از مسائلی که موجب اختلال در کارکرد خانواده می‌شود جلوگیری نماید.

توجه به ارتباط این آیات با مسئله قوامیت مرد و اطاعت زن از او به این حقیقت رهنمون می‌گردد که قرآن کریم زن و شوهر را به همفکری و همدلی فراخوانده و از اداره خانواده به صورت تحمیل سلیقه یکی از زوجین منع می‌کند و مدیریت مرد در خانواده به معنای ارائه راهکارهای مدیریتی مورد توافق زن و مرد در محیط خانواده است.

به تعبیر علامه طباطبائی آنچه که اکثریت خانواده‌ها را در جامعه تشکیل می‌دهد همانها هستند که مدیریت خانواده را با نظام شورایی در درون و سرپرستی و مدیریت اجرایی مرد در روابط خانواده با اجتماع اداره می‌کنند. در این نظام هیچگونه تعدی و ظلمی به دو عنصر اساسی خانواده که زن و شوهر است وارد نمی‌آید. بنابراین نظام حقوقی خانواده در اسلام نه پدرسالاری است و نه مادرسالاری که از جمله «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» استفاده می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۴) که این مطلب همسو با یافته‌های پژوهشی است.

با توجه به نتایج این الگو می‌توان دریافت که با برقراری توازن میان تفاوت‌های اقتصادی و یا فرهنگی زوجین با یکدیگر می‌توان میزان بروز تعارضات را تا حد بسیاری کاهش دهند. تفاوت‌های اقتصادی و یا فرهنگی در شاخص‌های ارتباطی، نیازها، خواسته‌ها و سبک‌های زندگی، موجب بروز تعارضاتی میان زوجین می‌شود. زوجین می‌توانند با آگاهی یافتن از اینگونه تفاوت‌ها، میزان انتظارات خود را نسبت به یکدیگر تعدیل کرده و مانع بروز تعارض در این مقولات شوند. و بدین ترتیب پس از ازدواج با توجه به سبک زندگی طرف مقابل به نیازهای یکدیگر پاسخ دهند (اسلاسون، ۲۰۰۳).

در سایر منابع تعارض (ارتباطی، عاطفی، اجتماعی، مذهبی، زیستی) عمدتاً حاکمیت اخلاق است که می‌تواند الگوهای منطقی رفتار را بر فرد حاکم کند.

الگوهای رفتاری در منبع تعارض مقوله ارتباطی عبارتند از عدم وجود آرامش، عدم رعایت اخلاق اجتماعی، عدم خویشتن‌داری و خردورزی، عشق و علاقه افراطی؛ در منبع تعارض عاطفی عبارتند از عدم درک یکدیگر و پاسخگویی به نیازها؛ در منبع تعارض مقوله اجتماعی عبارتند از: نزدیک شدن به گناه و عدم وجود عمل صالح؛ در منبع تعارض مقوله مذهبی عبارتند از: قلیل بودن یا فقدان ایمان و توکل. در منبع تعارض مقوله زیستی عبارتند از: عدم پذیرش حقایق زیستی و تقدیرات الهی از جمله نازایی.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که وظایفی هستند که باید برای تضمین رشد سالم اعضا به موازات برآوردن نیازهای اولیه زندگی مورد توجه قرار گیرند. این نیازها عبارتند از: فراهم آوردن زمینه آموزش و کمال خانواده، تأمین محبت، تکریم متقابل، درک متقابل، ایجاد صمیمیت میان همسران با هم و والدین با فرزندان.

با توجه به آیات و روایات، انجام وظایف یکی از اساسی‌ترین کارکردهای خانواده از دیدگاه اسلام است و همسران علاوه بر تأمین نیازهای مادی اعضای خانواده و انجام وظایف پایه نباید نسبت به سایر وظایف (ارتباطی، عاطفی، اجتماعی، مذهبی، زیستی) مانند ابراز محبت و احترام به یکدیگر و سایر اعضای خانواده کوتاهی نمایند (روم، ۲۱/ طه، ۱۱۲/ انبیا، ۹۴/ نساء

۱۷۱ / نساء ۱۲۷ / احزاب ۲۸ / اعراف ۲۸ / آل عمران ۱۹۵. به تعبیر قرآن، همسران باید برای یکدیگر آرایشگر، آرامش بخش، محبت آفرین و کمال آفرین باشند (بقره/۱۸۷).

توجه به بعضی از شاخص‌های غیرقابل تغییر که تنها پذیرش آنها و پذیرش مسئولیت کنار آمدن با مسائلی که به دنبال دارند، می‌تواند موجبات حل تعارض را فراهم آورد. و بدین ترتیب فرد با آنچه که تقدیر اوست بهتر کنار می‌آید (شاکری، ۱۳۸۹). از جمله این شاخص‌ها منبع تعارض زیستی (عقیم بودن و نازایی - عقیم بودن نوعی آفرینش)، است که در این پژوهش به عنوان یکی از منابع تعارض به دست آمد به گونه‌ای که می‌تواند تاثیر بسزایی هم در بعد جنسیتی فردی - درونی و هم در بعد جنسیتی اجتماعی - بیرونی داشته باشد و می‌توان با کمک مفهوم شناخت و یا باورهای فرد، الگوهای منطقی رفتاری و حفظ خانواده را بر آن حاکم کرد. به طور کلی براساس این الگو (شکل ۲)، خانواده یا جهت گیری و الگوی منطقی دارد و در نتیجه سالم و تعالی جو است و یا جهت گیری غیرمنطقی دارد و در نتیجه باورها، گرایش‌ها و رفتارهایش ممکن است بهنجار یا متعارض باشد:

الگوی منطقی «خانواده سالم» که الگوی مبتنی بر کمال و آرمان خودتحقیق است و بقای پایدار ارتباط زوجین با حفظ و دوام خانواده در کانون توجه آن است. به عبارتی در این الگو افراد با آگاهی یافتن از منابع تعارض می‌توانند با شیوه‌های بروز تعارض مقابله کنند و راهکارهایی را درست عکس بروز تعارض در پیش گیرند. رفتارهای منطقی این الگو با توجه به منابع تعارض عبارتند از: گفتگو و مذاکره به هنگام بروز تعارض، درک یکدیگر و پاسخگویی به نیازها، پذیرش واقعیت‌های زندگی از جمله بیماری‌های زیستی، تسلیم به قضا و قدر الهی، قوامیت مرد و تمکین زن.

در الگوی «غلط و غیرمنطقی خانواده»؛ زندگی می‌تواند کسل کننده باشد و تداوم زندگی بعضاً معنی توضیح دهنده‌ای ندارد و در صورت بروز تعارضات غیرقابل توضیح به راحتی جدایی را توصیه می‌کند و تشکیل خانواده‌ها و تخریب آنها درست مثل یک تصمیم گیری ساده در حال رخ دادن است.

از نتایج حاصل از این الگوی غیرمنطقی رفتار با توجه به هفت منبع تعارض می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم تناسب افکار، عقاید و باورها- فقدان ایمان و توکل در برابر مشکلات- بحران سازی و مهارت‌های نادرست مواجهه با تعارض- عدم پذیرش واقعیت‌های زندگی- به هم ریختگی مرزهای درون فردی و بین فردی. و در نهایت حاصل این الگو تعارض و جدایی زوجین از یکدیگر است. به عبارتی این منابع تعارض را با محوریت اخلاق می‌توان در محتوای آموزشی جای داد و با آموزش فرایند و مؤلفه‌های آنان به زوجین در انگیزه بخشی و نوع فعالیت زوجین در جهت حل تعارضات زناشویی مؤثر واقع شد.

با پذیرش تعارض از دیدگاه آیات و روایات، می‌توان در جهت آگاهی یافتن و مدیریت آنها پیش رفت که عمدتاً بر عهده اخلاق است و نه حقوق. به عنوان مثال همانطور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است؛ روش‌های کنارآمدن با تعارض، چگونگی برقراری ارتباط و حمایت از یکدیگر و شیوهی تفکر آنها در مورد ازدواج و رفتار طرف مقابل را شامل می‌شود. از جمله ادراکات مشابه، بخشش، همدلی، معناداری و مانند آن.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که اصول کلی که می‌توان با کمک آنها در جهت معکوس

منابع تعارض عمل کنیم عبارتند از:

- ۱- مودت و رحمت (روم؛ ۳۰/۲۱). ۲- امنیت و آرامش (روم/۲۱) ۳- تراضی و مشورت میان زوجین (بقره/۲۳۳). ۴- مشورت میان سایر اعضای خانواده (توبه/۷۱؛ قصص ۲۶؛ صافات ۱۰۲ و ۱۰۳). این آیات نمایانگر اهمیت مشورت در خانواده بود و حتی نتیجه مشورت را که عبارت از عدم تمرد در برابر حکم خداست به تصویر می‌کشند. ۵- تقدم مصلحت خانواده بر مصالح فردی: التزام بر حدود الهی در آیات متعددی مطرح شده و زن و مرد به رعایت حدود الهی در خانواده ملزم شده‌اند (طلاق/ ۱ و بقره/ ۲۲۹) و به تقدم مصلحت خانواده بر مصالح خود فراخوانده شده‌اند (نساء/ ۱۹) ۶- اصلاح امور (انفال/ ۸) ۷- گذشت و برقرار کردن صلح (نساء/ ۱۲۸). ۸- پرهیز از خودکامگی (نساء/ ۱۲۸) ۹- مراقبت معنوی از خود و افراد خانواده (مائده/ ۱۰۵؛ تحریم/ ۶۹). ۱۰- معاشرت به معروف (نساء/ ۱۹).

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که قرآن، حل تعارضات زناشویی را در گرو توجه به اصول اخلاقی و حقوقی می‌داند و جریان زندگی را تنها بر این دو پایه ممکن و مطلوب می‌داند. برای مثال توسعه زندگی برای زن و فرزند، چشم پوشی از خطاها و رفق و مدارا با همسر، تأمین نیازمندی‌های روحی و معنوی او، رحمت و شفقت به فرزندان، تقدیم هدیه به همسر و فرزندان از توصیه‌های اخلاقی به مرد است و در مقابل، خانه‌داری و کمک به شوهر، آراستگی در مقابل همسر و هماهنگی و همکاری نزدیک با وی از جمله توصیه‌های اخلاقی به زنان است که در این پژوهش استخراج گردید (بقره/۱۸۷).

منابع فارسی

قرآن کریم

- ادیب راد، ن. ادیب راد، م. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۴، شماره ۱۳.
- اسرار، مصطفی. (۱۳۷۷). از مفاهیم قرآن، تهران: انتشارات چوگان.
- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۹). مقاله عدالت جنسیتی و اشتغال زنان.
- برنشتاین، ف؛ برنشتاین، م. (۱۳۸۴). زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری- ارتباطی، ترجمه نایینی، غ، تهران: انتشارات رشد.
- برنشتاین، فیلیپ اچ. (۱۳۸۲). زناشویی درمانی، ترجمه سهرابی، حمیدرضا، تهران: انتشارات رسا، چاپ دوم.
- بستان، حسین. (۱۳۸۸). ب. اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان حسین. (۱۳۸۶). د. بررسی جنسیت در اسلام و فمینیسم. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهنی، روحیه. (۱۳۸۸). بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزند از دیدگاه قرآن و روایات. دانشگاه علامه طباطبائی
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). الف. زن در آئینه جلال و جمال. قم: انتشارات اسراء، چاپ دوم.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۶). تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهقان، فاطمه. (۱۳۸۰). مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.

راس و دراپر. (۲۰۰۵). مقایسه نظریه‌های خانواده درمانی. ترجمه اسمعیلی، معصومه. (۱۳۸۹).

تهران: انتشارات رسا.

رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۹). مقاله تفاوت‌های جنسیتی در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان.

سادات مستقیمی، مهدیه. (۱۳۸۵). نقد نابرابر انگاری افراطی جنسیتی در معرفت‌شناسی فمینیستی. قم: دفتر امور زنان

سادات مستقیمی، مهدیه. (۱۳۸۲). تحلیلی فلسفی از رابطه ارزشمندی ذاتی و جنسیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س).

سعیدیان، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین ساختار قدرت با تعارضات زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

سیموس، گریگوری. درمان شناختی رفتاری. ترجمه: جلالی، احمد. روحانی، آریو. پورامینی، مریم. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات پادرا.

شاهواروتی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم. دانشگاه شهید بهشتی.

شریفی، علی اکبر. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین تیپ‌های شخصیتی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه، دانشگاه علامه طباطبائی.

شریعتمداری، آسیه. (۱۳۸۳). تأثیر آموزش راه‌های مقابله با فشار روانی بر تعارضات زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.

فعالی، محمد تقی. (۱۳۸۹). مقاله جنسیت؛ فمینیسم یا ذات گروهی الهی.

کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۱). طراحی الگوی آموزشی حل تعارض مستخرج از مبانی انسان‌شناسی اسلامی (مبتنی بر دیدگاه جوادی آملی) و عوامل خوددرمانی بخش زوجین، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

کریمی، عادل. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش نظریه انتخاب بر کاهش تعارضات زناشویی زوج‌های شاکی از رفتار متقابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی.

کوری، جرال و ماریان اشنايدر. (۲۰۰۴). گروه درمانی، ترجمه بهاری، سيف الله و همکاران، تهران: نشر روان.

گلدنبرگ، ایرنه. (۱۳۸۲). *خانواده درمانی*، ترجمه شاهی برواتی، حسین، نقشبندی، حمیدرضا و سیامک، تهران: انتشارات روان، چاپ اول.

ماشینی، فریده. (۱۳۸۰). مقاله حقوق انسانی و جنسیت در قرآن کریم. ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۳۷ سال. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷. الف). *تفسیر نمونه*. تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیه.

میرخشتی، فرشته. (۱۳۷۵). *بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و سلامت روان*، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

میلر، شراد و همکاران. (۱۳۸۳). *آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی*، ترجمه بهاری، فرشاد، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول.

مینوچین، سالوادور. (۱۹۹۸). *خانواده و خانواده درمانی*. ترجمه ثنایی باقر، تهران: انتشارات امیرکبیر.

هالفورد، کیم. (۱۳۸۴). *زوج درمانی کوتاه مدت*، ترجمه تبریزی، مصطفی، کاردانی، مزده، جعفری، فروغ، تهران: انتشارات فراروان، چاپ اول.

هاید، شیلی. (۱۳۸۴). *روانشناسی زنان، سهم زنان در تجربه بشری*. ترجمه اکرم خسته. تهران: آگه. ص ۱۷۷

هومن، حیدرعلی. (۱۳۷۴). *شناخت روش علمی، نشر پارسا*.

یانگ، جفری ای. (۱۹۹۹). *شناخت درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرحواره محور*، ترجمه: صاحبی، علی. حمیدپور، حسن (۱۳۸۴). چاپ اول، تهران: انتشارات آگه و ارجمند.

منابع لاتین

- Boyatzis, C.J. (2005). *Religious and spiritual development in childhood*.
- Dattilio, F.M. (2005). The restructuring of family schemas: A cognitive-behavior perspective. *Journal of marital and family Therapy*. Oxford. Vol.31, Iss.I. PP. 15-30
- Dattilio, F.M. (2001). *Cognitive behavior family Therapy: Contemporary myths and misconceptions*. Contemporary family therapy: pp.3-18
- Edin, K. (2000). What do low-income mothers say about marriage? *Social Problems*, 47(1), 112-133.
- Diener, E. & Sandvik, E., Pavot, W. & Fujita, F. (1992). Extraversion and

- subjective well-being in a U.S. national probability sample. *Journal of Research in Personality*, 26, 205-215.
- Eidelson, R. J. (1999). Cognition and relationship maladjustment: development of a measure of dysfunctional relationship belief. *Journal of consulting and clinical psychology*, 50, 715-720.
- Fincham, D., Beach, R. H. Davila, J. (2004). Forgiveness and Conflict Resolution in Marriage. *Journal of Family Psychology*, Vol. 18, No. 1, 72-81
- Fincham, D. & Bradbury, T. N. (1990). *Attributions in marriage review and critique*. Psychological Bulletin 107, 3-33.
- Lovejoy, K. (2004). *Marriage moments: An evaluation of an approach to strengthen couples' relationships during the transition to parenthood, in the context of a home visitation program*. Brigham Young University. (Unpublished MA-thesis).
- Gottman, J. M. (1979). *Maritalintraction: Exprimental investigations*. New York: Akademik press.
- Karoly, P. (1998). *Mechanisms of self regulation: A system view*. Annual review of psychology, 44, 23-52.
- Mace, D, R(1982). *Close companions*. New York: Free press
- Markman, H. J. & Hahlweg, K. (1998). *The prediction and prevention of marital distress : an international perspective*. clinical psychology review,13,29-43.
- Markman, H. J. Renick, M. J. Floyed, F. J. Stanley, S. M. & Clements, M. (1999). *Journal of consulting and clinical psychology* 69, 70-79.
- Morris, S. B. (1999). *Functional family therapy*. In. I. R. H. fallon(Ed), handbook of behavioral family therapy. NewYork: Guilford press.
- Perls, S.R. and Perls, R.D. (1991). ... *Ever ever after: A non scientific look at longterm relationships*. In: B. Brothers, Ed. Coupling: What makes permanence? New York: Haworth Press.
- Sanders, F. M. (1996). *Individual and family thrapy: toward and integration*. New York: Aronson.
- Sano, D. L. (2002). Attitude similarity and marital satisfaction in long-term African American and Caucasian marriages. *Dissertation Abstracts International*, Cleveland State University. 206 pages.
- Stanley, S. M., Markman, H. J. & Whitton, S.W. (2002). Communication, conflict and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family Process*, 41(4), 659-675.
- Taylor,E.S.Peplau,L.&sears,D.(1994).*Social Psychology*.8 Ed.USA,Prentice, Hall,Inc.
- Young,J.E.(1999). *Cognitive Therapy for Personality disorders: A Schema-focused approache*. Sarasota professional resources exchange.Inc.